

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه باقر العلوم «ع»  
(عصر دولتی - عصر فلسفی)

دانشگاه باقر العلوم «ع»  
دانشکده معارف، فلسفه و کلام اسلامی  
پایان نامه جهت اخذ درجه دکتری  
رشته فلسفه و کلام اسلامی

# بررسی تطبیقی وجود محمولی در حکمت متعالیه و فلسفه‌ی کانت و تحلیلی

استاد راهنما:

دکتر عسکری سلیمانی امیری

استادان مشاور:

دکتر محسن قمی

دکتر یارعلی کرد فیروزجایی

نگارش:

مسعود صادقی

۱۳۹۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## تقدیم به:

حضرت صدرالمতلهین شیرازی، حکیم بزرگ و فیلسوف وجودی سترگ، و همه‌ی  
کسانی که اندک بضاعت علمی‌ام را وامدارشانم.

## تشکر و تقدیر

پس از حمد و سپاس بی‌کران در درگاه الهی، فاعل هستی بخش و مسبب تمام توفیقاتی که شامل حال ما می‌شود، بر خود لازم می‌دانم از تمام کسانی که خداوند آنها را واسطه‌ای برای انجام این تحقیق قرار داد تقدیر نمایم. اولاً تقدیر و تشکر می‌کنم از تمامی اساتیدم به ویژه اساتید بزرگوار آقایان عسکری سلیمانی امیری، محسن قمی، یارعلی کرد فیروزجایی که اگر به سبب راهنمایی‌ها و مشورت‌های ایشان نبود یقیناً این تحقیق به سرانجام نمی‌رسید. ثانیاً تشکر می‌کنم از پدر و مادرم که دعای خیرشان همیشه بدرقه راهم بوده. و در پایان از همسر و فرزندم که صبوری ایشان در انجام این رساله نقش چشمگیری ایفا کرد.

## چکیده

در فلسفه‌ی اسلامی سوال در مورد محمول واقع شدن وجود، قبل از فارابی مطرح بوده است. بعدها این سوال به صورت جدی‌تری مطرح شد. فیلسوفان مسلمان از طریق قاعده‌ی فرعیه محمول واقع شدن وجود را به چالش کشیده، معتقدند اگر در یک هلیه‌ی بسیطه وجود محمول واقع شود دور یا تسلسل پیش می‌آید. در فلسفه غرب نیز محمول واقع شدن وجود مورد تردید و انکار واقع شده است. آغازگر داستان انکار وجود محمولی، هیوم است اما این انکار بیشتر یاد آور نام کانت است. وی می‌گوید وجود محمول واقعی نیست. محمول واقعی آن است که باعث افزایشی در مفهوم موضوع شود اما وجود چون چنین نیست، صرفاً نقش رابط را ایفا می‌کند. کانت پس از انکار وجود محمولی برهان‌های وجودی در اثبات وجود خدا را، به دلیل اینکه در این برهان‌ها وجود یک محمول واقعی قلمداد شده است، مخدوش می‌داند. همچنین گزاره‌های وجودی را ترکیبی می‌داند. فیلسوفان تحلیلی نیز ویژگی بودن وجود را انکار کرده‌اند. ایشان وجود را یک محمول درجه دوم می‌دانند. محمول درجه دوم محمولی است که فقط بر مفاهیم حمل می‌شود نه بر اشخاص. در تحلیل فیلسوفان تحلیلی از گزاره‌های وجودی، وجود در جایگاه سور قرار می‌گیرد، لذا معتقدند وجود چیزی بیش از سور قضیه نیست. استدلال ایشان این است که اگر وجود بر اشخاص حمل شود، گزاره‌های وجودی موجه، همان‌گو و سالبه‌ی آنها خودشکن خواهند شد. در دیدگاه ایشان بحث وجود محمولی به مثابه یک بحث منطقی بلکه یک بحث زبانی مطرح شده است. با معیار قرار دادن هستی‌شناسی صدرا خصوصاً بحث‌هایش در مورد اصالت وجود، ثبوت الشیء بودن و عکس‌الحمل بودن گزاره‌های وجودی، نتیجه می‌شود که دیدگاه کانت و فیلسوفان تحلیلی صائب نیست. سه اشکال اصلی بر کانت وارد است. اول اینکه معیار وی در مورد محمول واقعی و غیر واقعی معیاری اعتباری است که می‌تواند در مقابل آن به معیارهای دیگری دست یازید؛ دوم اینکه گزاره‌های وجودی ترکیبی انتزاعی‌اند نه ترکیبی محض؛ سوم اینکه بر اساس اصالت وجود و حرکت جوهری آن، وجود است که می‌تواند به عنوان یک ویژگی فزاینده ابراز هویت کند. استدلال اصلی فیلسوفان تحلیلی نیز به دلیل اینکه گزاره‌های وجودی دلالت بر ثبوت‌الشیء می‌کنند مخدوش است. همچنین نظریه صدرا در مورد تخصص وجود روشن می‌کند که وجود حقیقتاً باید بر اشخاص حمل شود. تعریف وجود محمولی نیز نشان می‌دهد که بحث وجود محمولی یک بحث فلسفی-منطقی است. اما برهان وجودی نه به خاطر محمول واقع نشدن وجود بلکه به دلیل خلط بین مفهوم و مصداق واجب‌الوجود مخدوش است.

واژگان کلیدی: وجود محمولی، وجود رابط، محمول واقعی، فلسفه‌ی کانت، حکمت متعالیه، فلسفه‌ی تحلیلی، عکس‌الحمل، ثبوت‌الشیء، برهان وجودی، محمول درجه اول، محمول درجه دوم.

## فهرست مطالب

پیشگفتار	۱
مقدمه	۴
بیان مسأله:	۴
سوالات اصلی و فرعی:	۷
سوال اصلی:	۷
سوالات فرعی:	۷
اهمیت و فایده:	۷
فرضیه‌ی تحقیق:	۸
پیش فرض‌های تحقیق:	۸
روش تحقیق:	۸
سابقه‌ی تحقیق:	۸
کتاب:	۹
مقاله:	۹
<b>فصل اول: کلیات و مفاهیم</b>	۱۳
۱-۱. وجود	۱۴
۱-۱-۱. کلمه‌ی «وجود» و «موجود»:	۱۴
۱-۱-۲. مفهوم وجود:	۱۷
۱-۱-۳. وجود محمولی (مصدق وجود):	۱۷
۱-۱-۴. وجود رابط:	۱۹
۱-۱-۵. وجود لافسه و لغیره:	۲۰

- ۱-۱-۶. اصالت وجود و اعتباریت ماهیت: ..... ۲۱
- ۱-۲. حمل ..... ۲۱
- ۱-۲-۱. اهمیت مسأله‌ی حمل: ..... ۲۱
- ۱-۲-۲. حقیقت حمل: ..... ۲۲
- ۱-۲-۳. نحوه وجود حمل ..... ۲۳
- ۱-۲-۴. تفاوت حمل با حکم و تصدیق ..... ۲۴
- ۱-۲-۵. اقسام حمل: ..... ۲۵
- ۱-۲-۵-۱. حمل موافات و حمل اشتقاق ..... ۲۵
- ۱-۲-۵-۲. حمل اولی ذاتی و حمل شایع صناعی: ..... ۲۵
- ۱-۲-۵-۳. حمل من صمیمه و بالضمیمه: ..... ۲۶
- ۱-۲-۵-۴. حمل بسیط و حمل مرکب: ..... ۲۶
- ۱-۲-۵-۵. حمل بتی و غیر بتی: ..... ۲۷
- ۱-۲-۵-۶. عکس الحمل: ..... ۲۷
- ۱-۲-۵-۷. قضیه‌ی حملیه و اقسام آن: ..... ۲۸
- ۱-۲-۵-۸. قضیه‌ی کلی و شخصی: ..... ۲۸
- ۱-۲-۵-۹. قضیه‌ی ثنایی و ثلاثی: ..... ۲۸
- ۱-۲-۵-۱۰. قضیه‌ی خارجی، حقیقی و ذهنی: ..... ۲۹
- ۱-۴. معقول اول و معقول ثانی: ..... ۳۰
- ۱-۵. برهان وجودی: ..... ۳۰
- ۱-۵-۱. تقریر آنسلم: ..... ۳۲
- ۱-۵-۲. تقریر دکارت: ..... ۳۳

## فصل دوم: وجود محمولی از نگاه کانت و فیلسوفان تحلیلی (فرگه، راسل

و کواین) ..... ۳۵

درآمد: ..... ۳۶

۱-۲. شمه‌ای از معرفت شناسی کانت: ..... ۳۸



- ۳۸..... ۱-۱-۲. احکام پسینی و پیشینی:
- ۳۹..... ۲-۱-۲. قضایای تحلیلی و ترکیبی:
- ۴۲..... ۳-۱-۲. طریق حصول شناخت:
- ۴۴..... ۴-۱-۲. هستی شناسی کانت:
- ۴۶..... ۵-۱-۲. گزاره های وجودی:
- ۴۸..... ۶-۱-۲. محمول حقیقی و غیر حقیقی:
- ۴۹..... ۷-۱-۲. انکار وجود محمولی:
- ۵۳..... ۸-۱-۲. استدلال کانت برای محمول حقیقی نبودن وجود:
- ۵۴..... ۹-۱-۲. دیدگاه فیلسوفان مسلمان قبل از کانت:
- ۵۶..... ۱۰-۱-۲. محمول های غیر وجود:
- ۵۶..... ۱۱-۱-۲. نقد برهان وجودی:
- ۵۹..... ۱۲-۱-۲. سخن پایانی:
- ۵۹..... ۲-۲. دیدگاه فرگه:
- ۵۹..... ۱-۲-۲. در آمد:
- ۶۲..... ۲-۲-۲. کلیات و مفاهیم:
- ۶۳..... ۳-۲-۲. «معنا»، «مدلول»، «شیء»، «مفهوم»:
- ۶۵..... ۴-۲-۲. نسبت و تابع:
- ۶۶..... ۵-۲-۲. تابع زبانی:
- ۶۶..... ۶-۲-۲. تابع درجه دوم و تابع درجه اول:
- ۶۷..... ۷-۲-۲. معنی «است» در هلیات مرکبه:
- ۶۹..... ۸-۲-۲. محمول وجود:
- ۷۴..... ۹-۲-۲. استدلال فرگه:
- ۷۵..... ۱۰-۲-۲. استدلال فرگه به نفع بخش اول:
- ۷۷..... ۱۱-۲-۲. استدلال دیگر فلاسفه به نفع دیدگاه فرگه:
- ۷۹..... ۱۲-۲-۲. نقد برهان وجودی:
- ۸۰..... ۳-۲. دیدگاه راسل:

- ۸۰ ..... ۲-۳-۱. در آمد:
- ۸۱ ..... ۲-۳-۲. کلیات و مفاهیم:
- ۸۱ ..... ۲-۳-۳. اسم خاص و عبارات اشاره‌ای:
- ۸۲ ..... ۲-۳-۴. مفهوم:
- ۸۳ ..... ۲-۳-۵. توصیفات خاص:
- ۸۸ ..... ۲-۳-۶. تفاوت جمله و گزاره:
- ۸۸ ..... ۲-۳-۷. وجود محمولی:
- ۹۴ ..... ۲-۳-۸. وجود در جایگاه سور:
- ۹۵ ..... ۲-۳-۹. هدف راسل از ارائه چنین دیدگاهی:
- ۹۶ ..... ۲-۳-۱۰. استدلال راسل:
- ۹۸ ..... ۲-۳-۱۱. خلاصه و نتیجه گیری:
- ۹۸ ..... ۲-۳-۱۲. نقد برهان وجودی:
- ۱۰۰ ..... ۲-۴-۱. دیدگاه کوااین:
- ۱۰۰ ..... ۲-۴-۱. سه شعار اصلی در کار کوااین:
- ۱۰۳ ..... ۲-۴-۲. بازگشت گزاره‌های وجودی به گزاره‌های اینهمانی:
- ۱۰۴ ..... ۲-۴-۳. قاعده التزام وجود شناختی:
- ۱۰۷ ..... ۲-۴-۴. نقد برهان وجودی:

### ۱۰۸ ..... **فصل سوم: بررسی دیدگاه صدرا در مورد وجود محمولی**

- ۱۰۹ ..... ۳-۱. در آمد:
- ۱۱۰ ..... ۳-۲. معنا و مفهوم وجود:
- ۱۱۱ ..... ۳-۳. اشتراک معنوی وجود:
- ۱۱۲ ..... ۳-۴. اصالت وجود:
- ۱۱۳ ..... ۳-۵. شناخت وجود:
- ۱۱۶ ..... ۳-۶. تخصص وجود:
- ۱۱۶ ..... ۳-۷. وجود محمولی و رابطه وجود با ماهیت:

- ۳-۸. تفاوت وجود محمولی و رابط: ..... ۱۱۷
- ۳-۹. هلیه بسیطه و مرکبه: ..... ۱۱۸
- ۳-۱۰. قاعده فرعیه و شبهه اتصاف ماهیت به وجود: ..... ۱۲۰
- ۳-۱۱. پاسخ‌های صدرا: ..... ۱۲۳
- ۳-۱۲. آیا وجود محمول بالضمیمه است؟ ..... ۱۲۷
- ۳-۱۳. قاعدهی «ثبوت چیزی برای چیزی فرع ثبوت ثابت است»: ..... ۱۲۷
- ۳-۱۴. نظر حکیم سبزواری: ..... ۱۲۸
- ۳-۱۵. نظر استاد جوادی آملی: ..... ۱۲۹
- ۳-۱۶. تحقق وجود رابط در هلیات بسیطه: ..... ۱۳۰
- ۳-۱۷. نسبت حکمیه و فرق آن با رابط: ..... ۱۳۴
- ۳-۱۸. فرق قضیه و تصدیق: ..... ۱۳۵
- ۳-۱۹. خلاصه: ..... ۱۳۷

## فصل چهارم: مقایسه و بررسی ..... ۱۳۹

- ۴-۱. بررسی دیدگاه کانت: ..... ۱۴۰
- ۴-۱-۱. درآمد: ..... ۱۴۰
- ۴-۱-۲. محمول حقیقی و غیر حقیقی: ..... ۱۴۱
- ۴-۱-۳. دفاع از کانت بر اساس مبانی صدرا: ..... ۱۴۴
- ۴-۱-۴. آیا دیدگاه کانت قابل دفاع است؟: ..... ۱۴۷
- ۴-۱-۵. نقد معیار کانت در مورد محمول حقیقی و غیر حقیقی: ..... ۱۴۸
- ۴-۱-۶. ویژگی بودن وجود بر فرض صحت تعریف کانت: ..... ۱۵۱
- ۴-۱-۷. حرکت جوهری: ..... ۱۵۶
- ۴-۱-۸. رابطه‌ی متحرک با مقوله‌ی مسافت: ..... ۱۵۷
- ۴-۱-۹. ویژگی بودن وجود، بر مبنای حرکت جوهری: ..... ۱۵۹
- ۴-۱-۱۰. مفاد گزاره‌های وجودی: ..... ۱۶۰
- ۴-۱-۱۱. کانت، به مثابه یک فیلسوف اصالت ماهوی: ..... ۱۶۲

- ۴-۱-۱۲. محمولهای غیر وجود: ..... ۱۶۵
- ۴-۱-۱۳. گزاره‌های وجودی، تحلیلی‌اند یا ترکیبی‌اند؟ ..... ۱۶۵
- ۴-۱-۱۴. قضایای انتزاعی: ..... ۱۶۶
- ۴-۱-۱۵. توسعه‌ی گزاره‌های ترکیبی انتزاعی با در نظر گرفتن حرکت جوهری وجود: ..... ۱۶۷
- ۴-۱-۱۶. سخن پایانی: ..... ۱۶۸
- ۴-۲. نقد و بررسی دیدگاه فیلسوفان تحلیلی: ..... ۱۷۰
- ۴-۲-۱. این‌همانی بودن گزاره‌های وجودی از نگاه صدرا: ..... ۱۷۱
- ۴-۲-۲. پیش‌فرض این‌همانی: ..... ۱۷۳
- ۴-۲-۳. اشکالات مک‌گین بر نظریه فیلسوفان تحلیلی: ..... ۱۷۴
- ۴-۲-۴. مخدوش بودن استدلال فیلسوفان تحلیلی از نگاه صدرا: ..... ۱۷۷
- ۴-۲-۵. رد استدلال فیلسوفان تحلیلی بر مبنای ثبوت‌الشیء بودن گزاره‌های وجودی: ..... ۱۷۹
- ۴-۲-۶. رد استدلال فیلسوفان تحلیلی بر مبنای عکس‌الحمل بودن گزاره‌های وجودی: ..... ۱۸۱
- ۴-۲-۷. رد استدلال خاص راسل: ..... ۱۸۲
- ۴-۲-۸. شبهه‌ی معدوم مطلق: ..... ۱۸۳
- ۴-۲-۹. آیا هلیات بسیطه از نوع گزاره‌های موضوع-محمولی‌اند؟ ... ۱۸۷
- ۴-۲-۱۰. جایگاه بحث وجود محمولی: ..... ۱۸۸
- ۴-۲-۱۱. فلسفی - منطقی بودن بحث وجود محمولی و رابط: ..... ۱۸۹
- ۴-۲-۱۲. فلسفی محض شدن بحث وجود محمولی در حکمت متعالیه: ..... ۱۹۳
- ۴-۲-۱۳. شخصیه بودن گزاره‌های وجودی: ..... ۱۹۴
- ۴-۲-۱۴. تفاوت وجود با سایر ویژگیها: ..... ۱۹۶
- ۴-۲-۱۵. آیا رابط می‌تواند در محمول اشراب باشد؟ ..... ۱۹۹
- ۴-۲-۱۶. تایید دیدگاه فرگه در مورد اشراب رابط در محمول: ..... ۲۰۰
- ۴-۳. بررسی برهان وجودی: ..... ۲۰۱

نتیجه‌گیری و پیشنهاد ..... ۲۰۶

پیشنهادها: ..... ۲۰۸

فهرست منابع ..... ۲۰۹

الف) منابع فارسی: ..... ۲۰۹

۱- کتابها ..... ۲۰۹

۲- مقالات ..... ۲۱۴

ب) منابع و مآخذ انگلیسی: ..... ۲۱۶

## پیشگفتار

«وجود، هم آشناست و هم تا اندازه‌ای دست نیافتنی.» این جمله از «بری میلر»- نویسنده مدخل وجود در دائرة المعارف استنفورد- یاد آور شعر حاجی سبزواری (مفهومه من اعرف الاشياء وكنهه في غايه الخفاء) است، و نوید امکان فلسفه تطبیقی می‌دهد.

کتر کسی است که به فلسفه پرداخته باشد ولی موضوع هستی‌شناسی ذهن او را مشغول نکرده باشد. از این رو بسیاری از فیلسوفان درباره آن به تحقیق پرداخته‌اند، ولی همه آنچه درباره مفهوم هستی گفته شده است، با شان و منزلت آن هم‌سنگ و هم‌اندازه نیست؛ خواه وجود را اصیل معرفی کرده باشد و خواه تبعی و اعتباری. به همین خاطر، دستگاه هستی‌شناسانه پالایش از آلودگی‌ها و محدودیت‌های ذهن بشری را نمی‌توان در مکتب فلسفی یک یا چند فیلسوف جست. کم‌ترین کاری که در خور این موضوع است، بررسی تطبیقی همه جانبه آن در همه مکتب‌های فکری گذشته و حال، در حوزه فکری فلسفه مشرق و مغرب است. شاید که از برخورد آرا و اندیشه‌های پیشینیان و تفاسیر و پژوهش‌های فلاسفه متأخر و معاصر، هستی نقاب از رخ برگیرد و آگاهان به تاملات و جستارهای فلسفی از تماشای حقیقت آن بهره برند. این رساله بخش کوچکی از این بررسی و سنجش میان سه حوزه فلسفی را بر عهده گرفته است؛ باشد که بی‌ثمر نباشد.

قرار بر این است مساله‌ی «وجود محمولی» که از دیر باز محل بحث و گفتگو بوده است از نگاه سه مکتب فلسفی صدرا، کانت و برخی فیلسوفان تحلیلی مقایسه و بررسی شود. آشنایان با فلسفه، در مورد صدرا و کانت و نیز مکتب فلسفی این دو نامدار، شناخت لازم دارند اما معدود افرای هستند که راجع به فلسفه‌ی تحلیلی و نام آوران آن شناخت چندانی داشته باشند پس خالی از لطف نیست که مختصری در مورد این مکتب فلسفی عرضه بداریم: از عمر فلسفه‌ی تحلیلی (Analytic Philosophy) تقریباً صد سال می‌گذرد و اکنون فلسفه غالب در غرب، فلسفه‌ی تحلیلی است. چندین دهه است که این فلسفه بر کشورهای

انگلیسی زبان سایه افکنده و در کشورهای آلمانی زبان به اوج خود رسیده است و حتی در کشوری چون فرانسه که دشمن این فلسفه به حساب می‌آید نیز تاخت و تازهای داشته است. این فلسفه در پایان قرن نوزده در «ینا» با فرگه (Frege)، مبدع منطق جدید، و در اروپای مرکزی با مکتب برنتانو (Brentano) و در انگلستان، علی‌الخصوص در کمبریج، با راسل و مور پدیدار شد. این اندیشمندان با یکدیگر تفاوت دارند اما وجه مشترک آنان در رد ایدئالیسم (کانتی یا هگلی) و تاکید بر واقعیت و عینیت قواعد، اعم از قواعد منطقی یا اخلاقی، در برابر پسیکولوژیسم، اصالت طبیعت و تاریخ‌گری است. بین دو شاخه فلسفه‌ی تحلیلی در همان ابتدای پیدایش رابطه برقرار می‌شود. فرگه با راسل مکاتبه می‌کند، راسل درباره آراء جیمز و یکی از شاگردان برجسته برنتانو، ماینونگ بحث می‌کند.

بین فلسفه‌ی تحلیلی و فلسفه‌ی زبانی رابطه‌ی تنگاتنگی وجود دارد. مقصود از فلسفه زبانی (linguistic philosophy) یا زبان فلسفه، یک روش فلسفی است که مخصوص الفاظ نیست. فلسفه زبانی، فلسفه خاص نیست، بلکه زبان فلسفه است. فیلسوفان تحلیلی می‌گویند حال که ما فلسفه زبان داریم، چرا تمام مسائل فلسفه را با این زبان، نفی و اثبات نکنیم؟ چرا از فلسفه زبان در حل همه مسائل فلسفی استفاده نکنیم؟ فلسفه زبانی می‌خواهد در همه مسائل از این زبان فلسفه که عبارت باشد از منطق بهره ببرد. یعنی هم منطق صورت و هم منطق ماده را به کار گیرد و هر چه را که غیر از اینها است کنار بگذارد. به بیان دیگر در این روش مسائل فلسفی را در قالب الفاظ مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم.

کوشش‌های فیلسوفان تحلیلی در همه حوزه‌ها و قلمروها عمدتاً معطوف است به بررسی جنبه‌های مختلف مسأله‌ی عقلانیت، از رهگذر ارایه استدلال‌های عقلانی. فلسفه‌ی تحلیلی در تلاش برای شناخت واقعیت و کشف حقیقت است، اما اینکه فیلسوفان تحلیلی با گرایش‌های مختلف واقعیت و حقیقت را چه فرض کرده‌اند، موجب شده تا تفاوت‌های چشمگیری در رهیافت آنان پدیدار شود. از آنجا که بخشی از این واقعیت ذهن و زبان آدمیان است، تحلیل محتوای فکر و اندیشه و بررسی نحوه کارکرد زبان نیز مورد علاقه فیلسوف تحلیلی است. اما فیلسوف تحلیلی بما هو فیلسوف با فراگرد روانی یا زیست‌شناختی اندیشیدن کاری ندارد.

فلاسفه تحلیلی از زمان فرگه به این سو کوشیده‌اند تا موازینی عینی برای حصول

معرفت و امکان‌پذیر ساختن تفهیم و تفاهم پیشنهاد کنند. آن دسته از فلاسفه‌ی تحلیلی که به کاوش‌های زبانی اشتغال داشته‌اند نخست به عوض تصورات ایده‌ها که اموری کاملاً ذهنی و شخصی بودند، معنی را به عنوان واحد اصلی تفهیم و تفاهم عینی پیشنهاد کردند و آنگاه در ادامه تلاش خود جمله را جایگزین معنی ساختند.

بررسی فعالیت فیلسوفان تحلیلی نشان می‌دهد که علاوه بر توجه به مساله معرفت عینی، بن‌مایه‌ی مشترک و جامع دیگری نیز موجب شده تا گفتگوی تحلیلی میان فلاسفه عضو این نحله، علی‌رغم تفاوت پیش‌فرض‌ها، تفاوت روش‌ها و تفاوت آموزه‌ها، برقرار گردد. این عامل وحدت بخش تا اندازه زیادی مسایلی است که فلاسفه تحلیلی به بررسی و کاوش در آنها و باز نمودن و توضیح و تفسیرشان پرداخته‌اند. یک نمونه بارز از این مسائل مربوط است به مساله زبان خصوصی که توسط ویتگنشتاین در کاوش‌های فلسفی مطرح شد.

مفهوم صدق برای فلسفه‌ی تحلیلی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. در این قلمرو سوالات مختلفی وجود دارد: آیا صدق خاصه قضایاست یا امری زبانی است یا آنکه وجودی مستقل از کاربرهای زبانی دارد؟ ارتباط صدق با واقعیت چگونه است؟ با چه معیارهایی می‌توان صفات صادق و کاذب را به کار برد؟ آیا روش‌های معین و مرجحی برای دستیابی به صدق وجود دارد؟



## مقدمه

### بیان مسأله:

اصالت وجود از اساسی‌ترین اصول نظام حکمت صدرایی است. اینکه در حکمت متعالیه، هیچ قاعده و نظریه‌ای جدید را نمی‌یابیم مگر اینکه اصالت وجود، مستقیم یا غیر مستقیم در اثبات آن نقش دارد، ادعایی قابل دفاع که روشن و آشکار است. انکار وجود محمولی وجود از جمله بحثهایی است که این اصل را به چالش می‌کشد و در مقابل اثبات اصالت وجود نیز به معنای اثبات وجود محمولی خواهد بود.

«وجود» (هستی) در فلسفه‌ی اسلامی دارای دو کاربرد «محمولی» و «رابط» است. «وجود محمولی» آن است که با یک هلیه بسیطه می‌توان از آن گزارش کرد. مثل اینکه می‌گوییم: «انسان هست»، «سفیدی هست»، «خدا هست». در این مثالها «وجود» (هستی) بر انسان، سفیدی و خدا حمل شده است. هر مفهومی اگر معنای مستقلی داشته باشد می‌تواند موضوع یا محمول واقع شود. چنین مفاهیمی می‌تواند دارای «وجود فی نفسه» و محمولی باشد؛ مانند «انسان» و «سفیدی». ولی چون در این موارد «وجود»، «محمول» قرار می‌گیرد لذا به موضوعات آنها که دارای وجود است، «وجود محمولی» می‌گویند.

یکی از قواعد معروف در فلسفه‌ی اسلامی «قاعده فرعیه» است. مفاد قاعده این است که «ثبوت شیء لشیء فرع ثبوت المثبت له». این قاعده در مورد «اتصاف الماهیه بالوجود» دچار چالش شده است. اگر مثلاً قضیه «الانسان موجود»، که در آن وجود را محمول قرار داده و ماهیت را به وجود متصف کرده ایم، مشمول این قاعده باشد، دچار محذور تسلسل یا تقدم الشیء علی نفسه خواهیم شد. این مشکل حتی در زمان فارابی بحثی جدی بود. طبق گزارش صدرای و با ملاحظه پاسخ‌های خود وی، مجموعاً هشت پاسخ برای حل این شبهه ارائه شده است. در این بین ملا صدرا دو پاسخ قابل توجه، دارد. یکی از پاسخ‌ها بنابر اصالت وجود است و لذا این قاعده با اصالت وجود نیز گره می‌خورد. و یک پاسخ این است که رابطه

ماهیت و وجود از نوع «ثبوت الشیء» است. آن وقت این سوال به صورت جدی مطرح شده که اصلاً وجود می تواند محمول واقع شود یا نمی تواند. فارابی می گوید وجود محمول طبیعی (فلسفی) نیست اما محمول منطقی می باشد. یکی از تفسیرهای ساده این مسأله این است که وجود محمول طبیعی نیست؛ به این معنا که وجود محمول بالضمیمه نیست. ولی به لحاظ منطقی می توان قضیه ای داشت که محمول آن وجود باشد. ولی از نظر صدرا که قائل به اصالت وجود است، وجود می تواند محمول واقع شود. اساساً اثبات اصالت وجود مساوی است با اثبات وجود محمولی وجود. البته در اینجا باید بین مفهوم وجود و حقیقت وجود فرق نهاد و نتایج حاصل از آن را بررسی نمود.

اما در برخی فلسفه‌های غربی «وجود محمولی وجود» مورد انکار قرار گرفته است. هر چند قبل از «کانت» افرادی «وجود محمولی وجود» را انکار کرده‌اند اما انکار آن در غرب، بیشتر با نام «کانت» همراه است. البته چنان‌که اشاره شد، سوال در مورد محمول واقع شدن یا نشدن وجود سابقه‌ای دیرینه دارد. فارابی ۸۰۰ سال قبل از کانت این مسأله را مطرح کرده و از اختلاف نظری که در آن زمان وجود داشته خبر می‌دهد. بعد از «کانت»، «فرگه» و «راسل» و برخی دیگر از «فیلسوفان تحلیلی» سخن کانت را دنبال کرده‌اند. همین امر سبب شد که دیدگاه مذکور به دیدگاه کانت - فرگه‌ای شهرت یابد.

کانت معتقد است که «محمول حقیقی» آن است که باعث افزایشی در «موضوع» شود، اما وجود باعث چنین افزایشی نمی‌شود؛ پس «وجود» یک محمول واقعی نیست، گرچه می‌تواند یک محمول منطقی باشد.

«فرگه» پس از تقسیم «مفهوم» به «درجه اول» و «درجه دوم»، نتیجه می‌گیرد که قضیه «خدا وجود دارد»، بی‌معناست. اعتراض اصلی فرگه این است که اگر وجود محمول درجه اول باشد، در گزاره‌های وجودی سالبه دچار پارادوکس می‌شویم. «مور» نیز چنین عقیده‌ای دارد. اما «راسل»، قضایایی از این دست را معنا دار می‌داند، لکن آن را به گونه‌ای دیگر تحلیل می‌کند. به طور کلی نگاه فیلسوفان بعد از فرگه این است که «وجود»، «سور» قضیه است و قضایای وجودی را به گونه‌ای تحلیل می‌کنند که «وجود»، «سور» قضیه قرار می‌گیرد.

به نظر می‌رسد آنچه کانت و خصوصاً فیلسوفان تحلیلی در مورد وجود محمولی می‌گویند با اصالت وجود در تضاد باشد. لذا این سوال یک سوال اساسی است که آیا «وجود»،

یک محمول حقیقی می‌باشد یا خیر؟ و آیا با پذیرش اینکه وجود یک محمول واقعی نیست، اصالت وجود دچار چالش می‌شود، یا اساساً ارتباط چندانی بین این دو امر وجود ندارد؟. سوال دیگری که در اینجا پیش می‌آید این است که آیا بحث وجود محمولی را باید در منطق حل کرد یا فلسفه؟

آنچه در مقایسه سخنان دو طرف بحث بیشتر جلب توجه می‌کند این است که ایشان در مواردی اتفاق مبنایی دارند. مثلاً پاسخ صدر را در حل شبهه فرعیه مبنی بر اینکه قضیه «الانسان موجود» حاکی از «ثبوت شیء» است نه «ثبوت شیء لشیء» همان سخن کانت است که می‌گوید: «وجود» فقط حاکی از «وضع الشیء» است.

نیز فیلسوفان تحلیلی، همچون فلاسفه اسلامی «قاعده فرعیه» را قبول دارند و بعضاً با استناد به همین قاعده به نفع پارادوکسیکال بودن قضیه «اسب بالدار وجود ندارد» استدلال می‌کنند. (چنان‌که در بالا اشاره شد)

اکنون این سوال به ذهن می‌آید که چرا با وجود چنین اتفاق نظرهایی، در فلسفه‌ی اسلامی (حکمت متعالیه)، وجود محمولی وجود پذیرفته شده است ولی در فلسفه‌های غربی مورد انکار قرار گرفته است؟ اجمالاً به نظر می‌رسد که یکی از دو طرف بحث، بین مفهوم و مصداق یا عین و ذهن یا حمل شایع و اولی خلط نموده است. علاوه بر پی‌گیری عوامل دیگر نیز باید بررسی کرد که خلطهای مذکور از جانب کدام یک از دو طرف و در چه مواضعی صورت گرفته است.

البته باید اختلافات مبنایی را هم در نظر گرفت. چه بسا نتایج متفاوت صرفاً به خاطر چنین اختلافهایی باشد. مثلاً دیدگاه کانت در مورد تقسیم قضایا و انکار وی در مورد قضیه بودن هلیات بسیطه و تعریفش از «محمول حقیقی» یقیناً در دیدگاهش راجع به وجود محمولی وجود تاثیر گذار بوده است. این اختلافات مبنایی در فلسفه‌ی تحلیلی بیشتر است، تا آنجا که واژگان، در فلسفه فرگه، معنایی کاملاً متفاوت با حکمت متعالیه و حتی دیگر فلسفه‌های غربی دارد. این امر یکی از مسائلی است که کار تطبیق را در این پژوهش سخت می‌کند.

از آنجا که خاستگاه مباحث وجود محمولی، در غرب، براهین وجودی می‌باشد، باید پیرامون شبهاتی که بر این براهین وارد شده نیز بحث کرد. روشن است که اگر سخن فلاسفه غربی راجع به انکار وجود محمولی وجود مورد پذیرش قرار نگیرد، براهین وجودی از این

ناحیه خدشه‌دار نخواهند شد. لکن این پرسش هم وجود دارد که اساساً آیا انکار وجود محمولی براهین وجودی را به چالش می‌کشد یا خیر؟ پاسخ برخی به این سوال منفی است. لازم به ذکر است انکار وجود محمولی نه تنها با تحقیقات صدررا در باب وجود ناسازگار است بلکه اساساً متافیزیک و هستی‌شناسی افلاطونی و ارسطویی را به چالش می‌کشد؛ زیرا انکار وجود محمولی مساوی است با انکار چیزی که موضوع متافیزیک است.

## سوالات اصلی و فرعی:

### سوال اصلی:

وجود محمولی در حکمت متعالیه و فلسفه‌های کانت و تحلیلی چیست و نقاط اشتراک و امتیاز آنها کدام است؟

### سوالات فرعی:

- ۱- در فلسفه کانت، وجود به چه معنا محمول واقع می‌شود و به چه معنا محمول واقع نمی‌شود؟
- ۲- چرا در فلسفه‌ی تحلیلی وجود از عناصر موضوع قضیه قرار می‌گیرد نه محمول آن؟
- ۳- آیا در حکمت متعالیه وجود محمول واقع می‌شود و نسبت آن با اصالت وجود و قاعده فرعیه چیست؟ (تعارض بین وجود محمولی در فلسفه‌ی اسلامی و قاعده «ثبوت شیء لشیء فرع ثبوت المثبت له» چگونه حل می‌شود)
- ۴- آیا نفی وجود محمولی در فلسفه‌های غربی با اثبات آن در حکمت متعالیه سازگار است یا خیر؟
- ۵- اساساً اینکه وجود محمول واقع می‌شود یا نه، یک مساله فلسفی است یا منطقی؟
- ۶- آیا برهان‌های وجودی با انکار وجود محمولی از اعتبار ساقط می‌شوند یا خیر؟ چرا؟

## اهمیت و فایده:

اهمیت این مساله وقتی رخ می‌نماید که توجه کنیم سخنان کانت و فیلسوف‌های تحلیلی، نه تنها بحث اصالت وجود را از اساس به چالش می‌کشد، بلکه بسیاری از گزاره‌ها و